

یادی از دوران دفاع مقدس و روزهایی که صحن‌وسرای آستان حضرت رضا^(ع) میزبان و پناه بسیاری از رزمنده‌ها می شد

آغاز راه جبهه، حرم مطهر بود

سیده‌نقیمة زینبی(۱) روزهای نخست جنگ هیچ کس تصور نمی کرد امتداد جنگ به آخر سال های دهه ۶۰ برسد. اما دفاع مقدس بیش از هشت سال طول کشید و در این مدت، یک وجب از خاک وطن در دست دشمن نماند. رزمندگان ایرانی با دست‌های خالی جنگیدند و آنچه موجب قوت قلبشان بود، نیرویی فرازمینی بود که آن‌ها را به عالم بالا متصل می کرد. قدرت ایمان و استمداد از ائمه اطهار^(ع) یکی از این سلاح‌های نامرئی بود که آن‌ها در قلب داشتند. حضرت رضا^(ع) میان مشهدی ها و رزمنده‌های دیگر جایگاه ویژه‌ای برای توسل داشت؛ به‌همین سبب و به‌مناسبت هفته دفاع مقدس، به‌سراغ لحظاتی رفته‌ایم که مدافعان وطن زیر سایه امام‌هشتم^(ع) گذراندند و نقشی که این تکه از بهشت در دفاع مقدس داشت. این روایت براساس اخبار جنگ در جراید و مصاحبه‌های تاریخ شفاهی با رزمندگان در نخستین روزهای دفاع مقدس که شاکله بسیاری از اتفاقات درحال قوام یافتن بود، نوشته شده است.



به خاک سپردند.

شهیدان اختریان و سلیمانی نیز در ۱۳مهر از بیمارستان لشکر تا صحن امام، تشییع و پس از اجرای مراسم مذهبی در صحن عتیق به خاک سپرده‌شدند. از همین اولین شهیددر ابتدای‌ترین روزهای دفاع مردم از میهنشان، تشییع شهدا با کار و زندگی آن‌ها گره خورد. همه مردم شهر، خانواده شهید می شدند و به بدرقه‌اش می آمدند. نخستین تشییع‌ها از بیمارستان لشکر آغاز می شد و بعدها تشییع‌ها از مسجد بناها به‌سوی حرم برگزار می شد. زمانی هم که تعداد شهدا بیشتر بود، ساختمان سپاه در خیابان نخریسی، محل تجمع مردم بود. روال تمام تشییع‌ها به یک شکل بود. هیچ دعوت‌نامه‌ای در کار نبود، مردم خودجوش برای بدرقه شهدا می آمدند و آن‌ها را تا صحن امام می بردند و در حرم مطهر، بهشت‌رضا یا خواجه‌ربیع به‌خاک می سپردند. سال ۶۱باتشییع ۵۶شهید در فروردین و ۳۱شهید در اردیبهشت، از نخستین وداع‌هایی بود که با این سبک در مشهد رقم می خورد.

طواف آخر بر گرد ضریح، از آن سنت‌های قدیمی در بین زائران است که در زمان دفاع مقدس رنگ دیگری پیدا کرد. از نخستین شهیدی که به‌مشهد آوردند تا آخرین نفری که در دفاع از وطن ترک دنیا گفت، روی دوش مردم به حرم مطهر امام‌هشتم^(ع) رفتند. شهیدسیدجلال توکلی، عضونیروی هوایی ارتش، ۳۱شهریور سال ۱۳۵۹ در پوشهر به‌شهادت رسید. او مهر روی دست مردم به‌سوی حرم رفت تا روزنامه‌ها در آن روزگار بنویسند: «این همافر که در پوشهر به درجه‌شهادت نائل آمده بود، درمیان تأثر عمیق هزاران تن از مردم مبارز و شهیدپرور مشهد، از بیمارستان لشکر ۷۷تا صحن امام‌خمینی تشییع شد و پس از انجام مراسم مذهبی، در صحن عتیق به خاک سپرده شد.»

۹مهر ۱۳۵۹ مردم مشهد در تشییع خلبان «خوش نیت، حضور داشتند و ۱۱مهر خلبان «عزیزا... جعفری» را با فریاد «شهیدان زنده‌اند!... اکبر! به خون غلنیده‌اند!...اکبر» در صحن عتیق

زیارت جمعی رزمندگان:وداع آخر

باگذر از سال ۵۹و ادامه یافتن جنگ، اندک‌اندک سازوکارها شکل گرفت. زیارت حرم مطهر نیز از همان اتفاقاتی بود که جای خودش را درمیان برنامه‌های اعزام پیدا کرد. میان رزمنده‌هایی که سابقه چندین اعزام داشتند، زیارت حرم امام‌هشتم^(ع) پیش از اعزام، به وداع آخر معروف بود، وداعی که می‌دانستند شاید تکرارشذنی نباشد. حرم مطهر آخرین مقصد و پناه، بعد از ثبت‌نام و انجام کارهای اداری رزمنده‌ها بود و در گوشه‌گوشه آن، رزمنده‌ها در آغوش هم‌راهانشان با اشک بدرقه می شدند. پس از وداع، رزمنده‌ها دوباره جمع می شدند و از فلکه بیت‌المقدس یا راه‌آهن به‌سوی غرب و جنوب کشور می رفتند.

اردیبهشت سال ۱۱خبر یکی از اعزام‌ها را چنین در روزنامه خراسان می‌خوانیم: «رزمندگان پس از اجتماع در صحن امام و زیارت مرقد هشتمین پیشوای شیعیان، تا میدان راه‌آهن راهپیمایی

زیارت رزمندگان دیگر شهرها

اوضاع سخت جنگ برای مدافعان این مرزوبوم، دیگر رزمنده‌ها را هم به‌سوی مشهد می کشاند تا آن‌ها نیز نفسی تازه کنند و به میدان نبرد بازگردند. همچنین زیارت رزمنده‌های غیرمشهدی در طول جنگ، یک اتفاق عادی بود. بسیاری از آن‌ها پس از عملیات و در مدت مرخصی، راهی مشهد می شدند و خودشان را به آغوش امام‌رضا^(ع) می رساندند. گاهی هم این برنامه را به‌صورت هدفمند، سازمان‌هایی که جنگ را راهبری می کردند، اجرا می کردند تا روحیه جنگاوارانشان را حفظ کنند. بررسی تکرار این خبر در یک مقطع زمانی کوتاه، نشان می‌دهد که این سبک‌وسباق تبدیل به رویه شده بود و رزمنده‌های بسیاری در مدت جنگ برای حفظ روحیه به‌مشهد می آمدند. در ۱۶فروردین سال ۶۱ جراید نوشتند: «جمعی از جان‌برکفان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

دزفول که طی عملیات شگفتی آفرین فتح، همراه

با دیگر رزمندگان اسلام، ضربات سهمگین خردکننده‌ای به‌متجاوزین بعثی واردآوردند، برای زیارت مرقد مطهر حضرت رضا^(ع) به مشهد وارد شدند و شب گذشته باآیت... شیرازی، امام‌جمعه مشهد، دیدار و گفت‌وگو کردند.

در یکی دیگر از این دیدارها، در ابتدای اردیبهشت سال ۶۱، سرهنگ معین پور، فرمانده نیروی هوایی ارتش، به اتفاق جمعی از خلبانان برای زیارت مرقد مطهر حضرت به‌مشهد آمدند. ۲۱اردیبهشت سال ۶۱ نیز این خبر در روزنامه‌ها منتشر شد: «گروه‌کثیری از رزمندگان دلاور اسلام در عملیات غرورآفرین بیت‌المقدس با رشادت‌های خود حماسه آفریدند و قسمت اعظمی از خاک میهن اسلامی مان را که در تصرف دشمن بعثی بود، آزاد ساختند. به‌منظور زیارت مرقد پاک حضرت رضا^(ع)، ظهر دیروز با قطار راه‌آهن وارد مشهد شدند و مورد استقبال هزاران تن از مردم قرار گرفتند.»

اعزام از راه‌آهن، زیارت فردی

اتفاق دیگری که در آغاز جنگ هشت‌ساله پررنگ شد، زیارت فردی رزمنده‌ها بود. در خاطرات بسیاری از شهدا که از زیان بازماندگان نقل شده است، این حضور دیده می‌شود. تشریف‌هفتگی به حرم و زیارت پیش از اعزام، شبیه مناسکی بود که باید پیش از عزیمت به‌سوی میدان نبرد به‌جای می‌آوردند. طبق اخبار روزنامه‌ها، اول مهر سال ۵۹نخستین گروه از جنگاوران ارتش لشکر ۷۷ به‌مرز اعزام شدند. در این اخبار که اعزام‌نخستین گروه نیروهای خراسانی به جبهه جنگ را پوشش می‌دهد، خبری از خداحافظی در حرم نیست. شاید آن زمان تصویری از هشت‌ساله شدن جنگ

تحمیلی نبود یا سازوکار اعزام به جبهه، هنوز شکل خودش را نگرفته بود. ۶مهر نخستین داوطلبان از جوانان مشهدی که خدمتشان منقضی شده بود، به کرمان اعزام شدند تا به جبهه غرب بروند. ۸مهر نیز گردان تانک لشکر ۷۷ ونخستین گردان بسیج از شهر امام‌رضادر میان بدرقه مردم در سالن راه‌آهن، رهسپار جبهه نبرد شدند. همه نیروهایی که در ماه‌های ابتدایی به میدان نبرد می‌رفتند، در راه‌آهن یا جاهای دیگر با شعار «عده دیدار کجا؟ کربلا، کربلا، بدرقه می‌شوند. در خاطرات شخصیت‌هایی مانند شهید برونسی، شهید آقاسی‌زاده، شهید عبدالرسول خردادی ودیگران، می‌توان ردپای حضور آن‌ها در حرم را به‌عنوان ستون استوار پیش از اعزام یافت.



حضور رزمندگان در راه آهن مشهد برای اعزام به جبهه

برگزاری مراسم دعا و نیایش

یکی دیگر از برنامه‌هایی که در سال‌های دفاع مقدس از همان ابتدا میان مردم جریان یافت، برپایی مراسم دعا و بزرگداشت در حرم امام‌رضا^(ع) بود. مراسم فرهنگیان مشهد برای یادبود شهیدان آموزش و پرورش آبادان، از نخستین یادبوده‌ایی است که ۱۰مهر ۱۳۵۹ در مسجد گوهرشاد برگزار شد. ۱۱مهر همین سال نیز مردم در حرم اجتماع کردند تا برای پیروزی رزمندگان اسلام دعا کنند. جراید در این روز نوشتند: «شرکت‌کنندگان در مراسم، آیین دعا و نیایش به‌جای آوردند و آمادگی خود را برای پیوستن به رزمندگان در جبهه‌های جنگ، اعلام کردند.»

بررسی روزنامه‌ها نشان می‌دهد این مناسک در



و چه آن دسته از جانبازانی که از دیگر شهرها قصد مشهد می کردند، در این بزم روحانی حاضر بودند. در آن سال‌ها این دست اخبار درمیان جراید زیاد دیده می‌شد: «روز گذشته گروهی از جانبازان جنگ تحمیلی که به‌دعوت سپاه پاسداران مشهد جهت زیارت مرقد مطهر حضرت رضا^(ع) به مشهد آمده‌اند، با حجت‌الاسلام عباس واعظ‌طیسی، نماینده امام و تولیت آستان قدس رضوی، دیدار کردند. در پایان این مراسم، مقداری از غبار ضریح مطهر و نقل و نبات متبرکه به این سلحشوران اسلام اهدا گردید.»



شنبه ۴ مهر ۱۳۹۵
شماره ۲۳۳

۱۵



تاریخ و هویت

تشییع شهدای دفاع مقدس در حرم مطهر



گذری بر اخباری که با عنوان شفا و کرامت حضرت امام(ضاع)

در مطبوعات قدیمی خراسان، چاپ و منتشر شده است

کرامت حضرت ثامن (قسمت سوم)



سیدمهدی سیدقطبی در تورق اخبار قدیمی میان مطبوعات خراسان از دوره قاجار تا پهلوی، اخبار زیادی با تیتیر شفا یافته یا کرامت شده، چاپ و منتشر شده است که خواندنش خالی از لطف نیست و قرار است تعدادی از آن‌ها را هر چهارشنبه در ستون این صفحه چاپ و منتشر کنیم.

● امام‌رضا^(ع)، نایب‌ای کرمانشاهی را شفا داد

از قرار نگارش جناب مؤتمن الملک، متولی باشی آستانه رضویه علی ساکنینا آلف التحیه که معروض جناب اشرف سپهسالار اعظم و وزیر امور خارجه داشته بودند که این اوقات، امان...! نام کرمانشاهی که از هر دو چشم نابینا شده بود، برای استشفای کرمانشاه با مشقت تمام به مشهد مقدس آمده، سر به عتبه عرش مرتبه گذاشته، چند روز مداوم دخیل و ملتجی می‌گردد.

روز چهارشنبه، ششم شهر جمادی‌الثانیه، شخص جلیل‌القدری را در خواب، زیارت می‌نماید که به او می‌فرماید: «برخیز که تو را شفا دادیم». امان...! کور، دیده از خواب می‌گشاید و چشم خود را بهتر و روشن‌تر از اول می‌یابد. مردم از زوار و مجاور اجتماع کرده، لباس او را برای تبرک، ذره‌ذره از بدنش بیرون آوردند. اگرچه ظهور معجزات درخشان از ائمه هدی (سلام)... علیهم‌اجمعین) امری عجیب و غریب نیست، بلکه غالباً مشهود و آشکار است، ولی برای تأیید راست‌گفتاری امان...!، جناب مؤتمن الملک او را با چند نفر شهود از زوار کرمانشاهی که وی را کور دیده بودند، به محضر علمای اعلام فرستادند. روز دوشنبه یازدهم، این معنی درجه ثبوت شرعی یافت. شادایانه و تقارخانه اعلام[شد] و سایر رسومات آستانه مبارکه به عمل آمد.

● با عنایت امام‌رضا^(ع)، مرد فلج شفا یافت

مردم مشهد مقدس در بیست‌ونهم صفر، سالروز شهادت حضرت ثامن‌الائمه و ضامن‌الامه (صلوات)... و سلامه‌علیه) در صحن مطهر تعزیه‌داری باشکوهی نمودند. معجزه درخشانی نیز از حضرت بزرگوار امام‌ثامن در این روز به ظهور رسیده. تفصیل آن، مطابق نگارش جناب مؤتمن الملک، متولی باشی سرکار فیض آثار، به شرح زیر است: «کربلایی عباس از اهالی نیشابور که چند سال در ارض اقدس [مشهد مقدس] باغبان بوده، به‌واسطه بروز مرضی، از شغل خود بازمانده، به نیشابور می‌رود. در آنجا پس از مدتی فلج می‌شود. برای شفا به ارض اقدس برمی‌گردد. مدتی در اطراف آستان ملائک مطاف، اعتکاف داشته و ناتوانی جسمی او معلوم خاص و عام می‌شود. شبی در عالم رؤیا به حضور حضرت رضوی (سلام)... علیه) می‌رسد. [حضرت امام‌رضا] به او می‌فرمایند: «برخیز!، عرض می‌کند: ناخوشم، نمی‌توانم». می‌فرمایند: «حالت خوب است، برخیز!؛ بی خود از خواب پریده و می‌ایستد و زانو و پاهای خود را پس از مدتی مرض، سالم و متحرک می‌بیند، ولی چون بقیه آن مرض در دستش باقی بوده، افشای این معجزه درخشان نمی‌نماید. چندروز بعد مجدداً در خواب به زیارت حضرت علی‌بن موسی‌الرضا^(ع) مشرف می‌شود و حضرت، او را امر به اظهار درک این نعمت عظیم می‌فرمایند. عرض می‌کند: «هنوز در دست‌های من اثری از آن مرض باقی است». می‌فرمایند: «خوب شد». پس از آن بیدار شده و خود را به کلی از مرض بری می‌بیند. با شفعی مفراط، خدمت جناب مؤتمن الملک می‌رود. ایشان او را با اشخاصی که از حالت او درست آگاهی داشته‌اند، به محضر جناب آقای حاجی میرزانصرا... روانه می‌نمایند. در آن محضر، دعوی او ثابت شده، پس از ثبوت شرعی به‌سبب ظهور چنین معجزه آشکاری، تعظیماً لשתعائر... و انتشار الایاه، شادایانه که مرسوم سرکار فیض آثار است، زده تا موجب سرور و روشنی چشم اهل ایمان گردد.»

● با عنایت امام موسی کاظم^(ع)، نابینای شفا یافت

از بغداد خبر می‌رسد که بتازگی یک نابینا در حرم مطهر کاظمین، شفا یافته و این را اهالی کاظمین، معجزه دانسته و مجلس سرور تشکیل داده‌اند. مطابق تحقیقات پلیس، این‌مریض در بیمارستان بغداد در تحت معالجه بوده و چون دکترها از علاج وی مایوس شدند، لذا او را جواب کردند. بیمار مایوسانه به حرم مطهر کاظمین مشرف شده و شقای خود را درخواست نمود. درنتیجه به تصدیق تمام دکترهای بغداد، کاملاً شفا یافته و به کلی بینا شده است.

● کرامتی غریب از امام‌حسین^(ع)

ازجمله غرایب ارض اقدس(مشهد مقدس) که نوشته بودند، زنی در محله پایین خیابان، مجلس عزای جناب خامس آل عبا (علیه‌الصلوه و التنا) ترتیب و جمعی از زنان را دعوت کرده بوده است و به قدر ۶.۵ هزار دینار، صرف‌غذای هممان‌های خود نموده، بعد از ذکر مصیبت خود به مطبخ رفته بود که اطعام اضیاف نماید. با خود گفته بود که این چنددینار را به عبث خرج کردم و قیمت لباسی برای من بود. همین که سر دیگ را گشوده بود، دیگ را تهی یافته، همان پول را که خرج کرده بوده است، درمیان دیگ دیده. حیرت و خجلی به او دست داده بود. گزارش را به میهمان‌های خود گفته، آن پول را صرف ماحضر نموده بودند.

منبع: روزنامه ایران.

۱۲۷دربیهشت

۱۲۵۵خورشیدی

۷مرداد

۱۲۵۵خورشیدی،

روزنامه

وقایع اتفاقیه.

برابر ۱۲مهر ۱۲۳۵

خورشیدی

و روزنامه

وقایع اتفاقیه.

برابر ۱۳آذر

۱۲۳۲خورشیدی.

منابع:

اخبار

منتشر شده

در مطبوعات

سال‌های ۵۹

تا ۶۱.

مرکز اسناد

آستان قدس

رضوی.

مصاحبه‌های

تاریخ شفاهی

با رزمندگان

در شهرآرا.

با تشکر از:

محمد مهدی

مرتضوی‌فر

علی سلیمانی

کارشناسان

مرکز اسناد

آستان قدس

رضوی.

